

زبان داستان‌سرایی مولانا ، لایه لایه است

زبان تمثیلی مولانا ، لایه لایه است و نمی‌توانیم قصه‌های او را در یک لایه ببینیم. خود مولانا هم از ما می‌خواهد شیوه سمبلیک او را شیوا بفهمیم؛ نه به صورت قراردادهای ثابت.



زبان تمثیلی مولانا ، لایه لایه است و نمی‌توانیم قصه‌های او را در یک لایه ببینیم. خود مولانا هم از ما می‌خواهد شیوه سمبلیک او را شیوا بفهمیم؛ نه به صورت قراردادهای ثابت.

به گزارش اینستا ، پرویز عباسی داکانی در نشست مولوی‌پژوهی که در سرای اهل قلم برگزار شد، گفت: در عرفان یک نکته را نباید فراموش کرد و آن نقش تمثیلی قصه است.

مولانا دو کتاب «الهی‌نامه» عطار و «حدیقه» سنایی را تدریس می‌کرد که آنها هم شیوه تمثیلی در داستان‌سرایی داشتند.

وی توضیح داد: زبان نظام شناسه‌هاست. در داستان تمثیلی، مجموعه عناصری داریم که در درون قصه با هم مرتبطند و این مجموعه قرار است مجموعه دیگری را به ما نشان دهد.

مثل قصه طوطی و بازرگان، که عناصر آن برای ما ملموس است و ما می‌توانیم مقابل این عناصر، عناصری معقول را مطابق با مفهوم موردنظر نویسنده قرار دهیم. در حقیقت مولانا قصه را ظرف دانسته و ما باید عبور و گذاری داشته باشیم از ظاهر به باطن.

این مولوی‌پژوه خاطرنشان کرد: مولانا شیوه‌ای لایبرنتی در ساختن عناصر قصه رمزی دارد و براساس هرمنوتیک، شیوه او لایه لایه است. مولانا از ما می‌خواهد شیوه سمبلیک او را شیوا بفهمیم؛ نه به صورت قراردادهای ثابت.

داکانی افزود: داستان‌های مولانا در عرفان متوقف نمی‌مانند. چون او ذهن فلك‌فرسایی دارد و قصه‌های او عمدتاً تعلیمی است.

این داستان‌ها اما ساحات متعددی دارند که بی‌شک اصلی‌ترین آنها عرفان است ولی این‌چنین نیست که او در عرفان متوقف بماند.

داکانی در ادامه این نشست به بن‌مایه‌های طنز در مثنوی اشاراتی داشت و گفت: موضوع خیلی مهم در مثنوی، بن‌مایه طنز آن است. طنز او با درد جاودانگی عجین است. مولانا شخصیتی تراژیک دارد، اما زبانش طنز است و خیلی جاها طنزی تلخ را به خدمت می‌گیرد.